

نقش رسانه‌ها در مقابله با فساد

نویسنده: ریک استاپنهورست^۱

مترجمان: علی کریمی^۲ - فرامرز تمجید^۳ - بهزاد محمودی^۴

چکیده

نقش رسانه‌ها در ترویج حکمرانی خوب و کنترل فساد بسیار مهم است و رسانه‌های آزاد، مستقل و سخت‌گیر می‌توانند در پیشگیری از فساد نقش مهمی ایفا کنند. رسانه‌ها نه تنها آگاهی‌های عمومی در مورد فساد، دلایل، نتایج و راه‌حل‌های احتمالی را افزایش می‌دهند، بلکه به بررسی و گزارش بروز فساد نیز می‌پردازند. تأثیر رسانه‌ها، به‌نوبه‌ی خود، بستگی به دسترسی به اطلاعات و آزادی بیان، به‌علاوه کادر حرفه‌ای و اخلاقی روزنامه‌نگاران تحقیقی دارد. جامعه مدنی و رسانه‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد و حفظ جو حاکم بر زندگی مردم دارند که مانع از بروز تقلب و فساد است. اینها مسلماً دو عامل مهم در از بین بردن فساد در نهادهای دولتی هستند.

این مقاله به بررسی چگونگی افشای مقامات فاسد توسط رسانه‌ها، تحقیقات درخواستی توسط نهادهای رسمی، تقویت کار و مشروعیت پارلمان‌ها و نهادهای مبارزه با فساد، و فشار برای تغییر در قوانین و مقررات ایجادکننده زمینه مطلوب برای فساد می‌پردازد. همچنین، چگونگی تقویت رسانه‌ها و برجسته‌سازی مالکیت خصوصی در مقابل مالکیت عمومی، لزوم حمایت بهتر از روزنامه‌نگاران بررسی‌کننده فساد، آزادی مطبوعات و پاسخ‌گویی به رسانه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند.

واژگان کلیدی: فساد، رسانه‌ها، روزنامه‌نگاری تحقیقی، آزادی مطبوعات، خودگردانی، پاسخ‌گویی

۱. Rick Stapenhurst

۲. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی - رئیس منطقه ۵ سازمان و بازرس کل استان آذربایجان شرقی

۳. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی - قاضی اجرای احکام دادگستری استان اردبیل

۴. کارشناس ارشد ریاضی کاربردی - کارشناس برنامه‌ریزی و بودجه بازرسیکل استان اردبیل، نویسنده مسئول مقاله

مقدمه

اهمیت کنترل فساد برای تحریک توسعه پایدار به خوبی ثابت شده است. یک مؤلفه‌ی حیاتی در برنامه ضد فساد یک کشور، رسانه‌ی تأثیرگذار است. رسانه‌ها نقش دوگانه‌ای را ایفا می‌کنند؛ نه تنها آگاهی‌های عمومی در مورد فساد، دلایل، نتایج و راه‌حل‌های احتمالی را افزایش می‌دهد، بلکه به بررسی و گزارش بروز فساد نیز می‌پردازند. مؤسسه بانک جهانی به‌عنوان رهبری برای کمک به طراحی و پیاده‌سازی برنامه‌های ضد فساد کشورها تبدیل شده است. در پنج سال اخیر، بخش حکومت و دارایی بانک جهانی (WBIGF)، کارگاه روزنامه‌نگاری تحقیقی در آفریقا، اروپای مرکزی و شرقی و اخیراً در امریکای لاتین و آسیای جنوبی را راه‌اندازی نموده است. بیش از ۲۵ کارگاه برای نزدیک به یک هزار روزنامه‌نگار از دوازده کشور، برگزار شده است. مفاهیم پرورشی به برخی زبان‌ها از جمله زبان فرانسوی، روسی و اکراینی ترجمه شده‌اند. پیشرفت‌های اخیر عبارت‌اند از سازگاری این مفاهیم برای روزنامه‌نگاران رسانه‌های الکترونیکی؛ برنامه‌ریزی برای انطباق بیشتر این مفاهیم با خودآموزی از طریق اینترنت و توسعه بخش روزنامه‌نگاری تحقیقی که به‌طور مشترک با همکاری رسانه‌های آفریقا توسعه یافته است.

با توجه به رابطه‌ی بین فساد و آزادی مطبوعات، این مقاله به بررسی روش‌های محسوس و غیر محسوسی می‌پردازد که در آن روزنامه‌نگاری به‌عنوان مانعی برای فساد است. همچنین چگونگی تقویت رسانه‌ها، به‌منظور ارتقای نقش آن‌ها در مهار فساد مورد بحث قرار می‌گیرد.

مفهوم فساد

ریشه‌های فساد مبتنی بر تاریخ اجتماعی و فرهنگی، توسعه سیاسی و اقتصادی، رسوم و سیاست‌های اداری هر کشوری است. به‌طور کلی، زمانی که نهادها ضعیف بوده و سیاست‌های اقتصادی بازار را از شکل طبیعی خارج کند، فساد رونق می‌یابد. فساد توسعه اقتصادی و اجتماعی را، به سبب انتخاب‌های نادرست و با تشویق به رقابت در رشوه‌خواری و نه در کیفیت و قیمت کالاها و خدمات به انحراف می‌کشاند و اغلب، به این معنی است که فقیرترین مردم دنیا باید هزینه‌ی فساد مقامات خود و شرکت‌های چندملیتی را پرداخت نمایند. علاوه بر این، شواهد موجود نشان می‌دهد که اگر با فساد مقابله نشود، رشد خواهد کرد. هنگامی که یک الگوی موفق از رشوه نهادینه شود، مقامات فاسد‌انگیزه‌ای برای تقاضای رشوه بزرگ‌تر با ایجاد «فرهنگ» غیرقانونی خواهند داشت که به‌نوبه خود باعث ناکارآمدی بازار خواهد شد.

به ساده‌ترین بیان، فساد را می‌توان به‌عنوان «سوءاستفاده از قدرت دولتی برای کسب منفعت شخصی و یا به نفع گروهی دیگر» تعریف نمود. این موضوع در تقاطع بخش‌های دولتی و خصوصی اتفاق می‌افتد، زمانی که نهاد‌های دولتی به‌واسطه پذیرش، درخواست یا اخذ رشوه توسط یک مقام دولتی

مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند. فساد در محل تلاقی فرصت و تمایل صورت می‌گیرد. کلیتگارد^۱ یک مدل ساده برای توضیح پویایی فساد ارائه نموده است:

پاسخ‌گویی - قدرت انحصار + اختیار = فساد

به عبارت دیگر، میزان فساد بستگی به میزان قدرت انحصار و قدرت اختیاری که یک مقام مسئول به کار می‌برد، دارد. قدرت انحصار در اقتصاد به شدت کنترل شده، جامع‌تر بوده، در حالی که قدرت اختیاری غالباً در کشورهای در حال توسعه و اقتصاد گذاری جامع است که در آن قوانین و مقررات اداری اغلب به شکلی ضعیف تعریف شده است و از نوعی حاکمیت ضعیف قانون رنج می‌برند و در نهایت، ممکن است به ضعف در مسئولیت‌پذیری منجر شود.

استراتژی‌های موفق برای مقابله با فساد باید به‌طور هم‌زمان درصدد کاهش قدرت انحصار یک مقام دولتی (به‌عنوان مثال با اصلاحات بازارمحور)، قدرت اختیار (به‌عنوان مثال با اصلاحات اداری) و افزایش پاسخ‌گویی (به‌عنوان مثال، از طریق سازمان‌های ناظر) باشد. چنین استراتژی‌هایی شامل یک سیستم کنترل و توازن طراحی شده برای مدیریت تضاد منافع در بخش عمومی و شرایط حادی است که در آن تضاد منافع به وجود می‌آیند و یا تأثیر منفی بر منافع مشترک دارند. آن‌ها متضمن چشم‌انداز جامعی از اصلاحات، نشان‌یابی فساد در بخش دولتی از طریق فرایندهای دولت (دستورالعمل‌های رهبری، تغییر سازمانی) و از طریق حضور در جامعه مدنی (روند دموکراتیک، بخش خصوصی و رسانه‌ها) هستند.

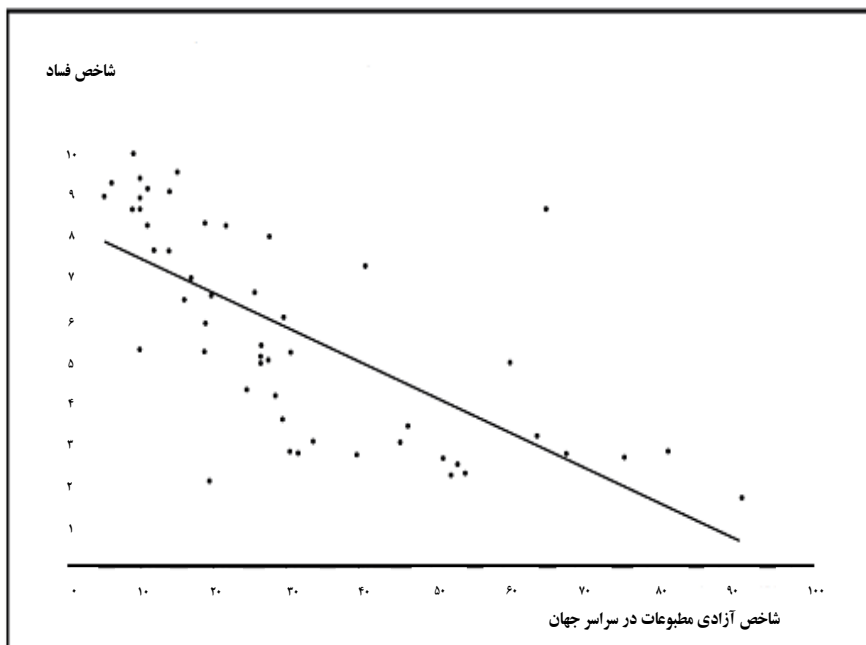
یک طرح مکمل، تمرکز بر دانش و اطلاعات به‌عنوان شرط لازم برای راهبردهای مبارزه با فساد است، که توسط کافمن به شکل زیر بیان شده است:

اقدام جمعی + رهبری + دانش و اطلاعات = اقدامات ضد فساد

به عبارت دیگر، برنامه‌های مبارزه با فساد موفق وابسته به دانش و اطلاعات به‌علاوه رهبری به‌علاوه اقدام جمعی می‌باشد. در اینجا دوباره، اهمیت اطلاعات و دخالت جامعه مدنی، از جمله رسانه‌ها، نقش مرکزی دارد.

اصلاحات نه تنها توسط سیاستمداران و سیاست‌گذاران آغاز شده، بلکه توسط اعضای جامعه مدنی و رسانه‌ها پشتیبانی می‌شود. در واقع، بانک جهانی اعلام کرده است که: «جامعه مدنی و رسانه‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد و حفظ جو حاکم بر زندگی مردم دارند که مانع تقلب و فساد است. در واقع، آن‌ها مسلماً دو عامل مهم در از بین بردن فساد در نهادهای دولتی هستند.» به‌طور خاص، با وجود اینکه نقش مطبوعات آزاد در بررسی، گزارش و در نتیجه کمک به مبارزه با فساد، اکنون به‌خوبی شناخته شده است، ارزیابی‌ها و توضیحات جامع به این معنی است که رسانه‌های خبری می‌توانند این کار را به‌نحو احسن انجام دهند - با وجود این واقعیت است که ارتباط قوی بین بروز فساد و وسعت آزادی

رسانه‌ها آزاد وجود دارد. (شکل ۱) (نقاط در شکل زیر نشان‌دهنده ارتباط سطح فساد کشورهای مختلف، اندازه‌گیری شده توسط شاخص شفافیت بین‌المللی در برابر شاخص سطح آزادی رسانه‌ها در آن کشور است).



شکل ۱ - مقایسه بین فساد و آزادی رسانه‌ها

این مقاله به دنبال رفع این شکاف با طرح روش‌های نوع شناسی تجربی است به طوری که روزنامه‌نگاری بتواند به جلوگیری از فساد کمک نماید. گونه شناسی نمونه‌هایی از داستان‌های اخیر روزنامه‌نگاران معاصر را ترسیم می‌کند که در دهه گذشته به چاپ رسیده است. این مقاله به بررسی کامل این موضوع نمی‌پردازد، بلکه بر مطالعه نقش رسانه‌ها در مهار فساد، تمرکز دارد. با این کار، اثرات محسوس و غیرمحسوس رسانه‌ها و همچنین راه‌های تقویت و حفاظت از نقش آن در جامعه تحلیل می‌شود.

رسانه‌ها به عنوان ابزاری علیه فساد: اثرات محسوس و نامحسوس

رسانه‌ها می‌توانند به عنوان یک نیروی مبارزه با فساد به روش‌های محسوس و نامحسوس عمل کنند. روش‌های محسوس، روش‌هایی قابل شناسایی هستند که در آن رسانه‌های خبری گونه‌هایی از نتیجه قابل مشاهده را به داستان‌های خبری خاص یا مجموعه‌ای از داستان‌ها نسبت می‌دهند، به عنوان مثال، آغاز بررسی توسط مقامات، کنار گذاشتن قانون و یا سیاستی که شرایط ایجاد فرصت برای فساد را

مهیا می‌کند، استیضاح و یا استعفای اجباری یک سیاستمدار فاسد، اخراج یک مقام رسمی، راه‌اندازی یک فرآیند قضایی، انتشار پیشنهادهای عمومی توسط فرد ناظر و ... در مقابل، اثرات نامحسوس، می‌توانند به‌عنوان کنترل‌هایی بر فساد، تقویت مناظره عمومی و افزایش حس مسئولیت‌پذیری در میان سیاستمداران، نهادهای دولتی و مؤسساتی که به‌طور اجتناب‌ناپذیری از طرف رسانه‌های خبری مستقل مورد هدف قرار می‌گیرند، توصیف شوند.

روش‌های محسوس

روش‌های محسوسی که در آن روزنامه‌نگاری به‌عنوان مانع برای فساد به‌کار می‌رود می‌تواند اقسام متنوعی داشته باشد. تماشایی‌ترین آن‌ها زمانی است که مقامات دولتی فاسد و یا شاغلین در مناصب دولتی استیضاح، محاکمه و یا مجبور به استعفا پس از سوءعملکردهایشان در انتظار عمومی می‌شوند. با این حال، روزنامه‌نگاری نیز به‌طور مستقیم به مقابله با فساد، با جذابیت کمتر، اما مسلماً به‌اندازه روش‌های مهم می‌پردازد. برای مثال، گزارشی ممکن است نهادهای دولتی را وادار به تحقیقات رسمی نسبت به اتهام فساد تحریک کند. علاوه بر این، گزارش‌های خبری، یافته‌های نهادهای دولتی ضد فساد را منتشر می‌کنند، در نتیجه با تقویت مشروعیت این نهادها و کاهش آزادی طرف‌های ذی‌نفع که قدرت را در اختیار دارند می‌توان در کار آن‌ها دخالت نمود. در صورتی که فشار عمومی منجر به اصلاح این نهادها شود، اثر درازمدت و بالقوه رسانه‌ها برای عمل به‌عنوان یک وزنه تعادل در برابر فساد تقویت خواهد شد. مواردی وجود دارد که در آن‌ها گزارش در مورد رفتار اخلاقی فاسد یا مشکوک، به تحقیقات فوری، پیگرد قانونی و یا استعفا منجر نمی‌شود، اما موجب تحریک خشم عمومی می‌شود، که نوع دیگری از مجازات را در پی دارد: شکست انتخاباتی در صندوق‌های رأی برای تنها مقام دولتی یا دولت منتخب. روزنامه‌نگاری سخت‌گیرانه نیز می‌تواند نقص در سیاست، قوانین و یا مقرراتی را که شرایط را برای فساد مهیا می‌کنند، افشا کند، در نتیجه باعث ایجاد فشار برای اصلاحات خواهد شد و حتی قبل از اینکه هر مطلبی انتشار یابد، پرسش‌های محض توسط خبرنگاران در مورد تخلفات آشکار می‌تواند باعث استخراج پاسخ‌های انحصاری توسط مقامات مشتاق برای محافظت از تصور عمومی در مورد آن‌ها شود و این، قبل از آنست که هر گونه اتهامی متوجه آن‌ها شود.

در ادامه بحث مفصل‌تری از تأثیرات محسوس مختلفی که روزنامه‌نگاری در مهار فساد دارد، ارائه می‌شود. در صورت امکان، نمونه‌های معاصر برای کمک به تشریح چگونگی ایفای این نقش توسط روزنامه‌نگاری، ارائه خواهد شد.

بررسی و افشاگری در مورد مقامات و کارکنان دولتی فاسد

اکثر نمونه‌های بدیهی از ظرفیت روزنامه‌نگاری برای مهار فساد زمانی مشاهده می‌شود که سیاستمداران یا دیگر مقامات ارشد دولتی شغل خود را به‌دلیل اعتراضات عمومی یا اقدامات قانونی در پی گزارش

درمورد فساد از دست می‌دهند. یافتن نمونه‌هایی از این نوع نتایج سخت نیست، به‌ویژه در آمریکای لاتین معاصر، جایی که در آن موجی از گزارش‌های رسانه‌ها درمورد فساد در طول دهه‌ی گذشته به افشای مقامات فاسد کمک کرده است.

مسلماناً، دنیا رسوایی واترگیت^۱ و استعفای رئیس‌جمهور ریچارد نیکسون^۲ در ۹ اوت سال ۱۹۷۴، به دلیل روزنامه‌نگاری تحقیقی درخشان خبرنگاران واشنگتن‌پست یعنی باب وودوارد^۳ و کارل برنشتاین^۴ را به‌خاطر دارد. منبع کلیدی ناشناخته این دو روزنامه‌نگار، مارک فلت^۵، هویتی که برای سی سال حفظ شده بود، در سال ۲۰۰۵ از هویت مستعار خود که با عنوان «خبرچین گمنام» شناخته می‌شد پرده برداشت. وی جانشین رئیس‌اف‌بی‌آی بود و در ملاقات مخفی خود با وودوارد در یک پارکینگ زیرزمینی در ویرجینیا، اطلاعات را در اختیار او قرار می‌داد. معرفی این مأمور اف‌بی‌آی حتی شگفتی وودوارد و همکار وی کارل برنشتاین را برانگیخت، چون قرار نبود این موضوع تا پس از مرگ فلت برملا شود. افشاگری این روزنامه‌نگاران باعث استعفای قدرتمندترین مرد آمریکا، قدرتمندترین کشور دنیا شد. گزارش‌های آن‌ها ثابت کرد که این نوع روزنامه‌نگاری یک ابزار نیرومند است و باین که واترگیت نسلی از خبرنگاران محقق را به وجود آورد و انواع تخلفات و فساد سیستماتیک در بسیاری کشورها را آشکار کرد، نیکسون تنها رئیس‌جمهوری بود که مجبور به کناره‌گیری از دولت به‌واسطه‌ی نتایج گزارش تحقیقی شد.

گزارشی تحقیقی در سال ۲۰۰۰، جوزف استرادا^۶، رئیس‌جمهور وقت فیلیپین را به دام انداخت. مرکز روزنامه‌نگاری تحقیقی فیلیپین (PCIJ)، تحقیقی درخشان از دارایی‌های استرادا انجام داد، که مدرکی برای محاکمه وی بود، محاکمه‌ای که در نتیجه‌ی قیام «توده مردم» در ژانویه ۲۰۰۱ به وقوع پیوست. اتهامات وی غارت، پیمان‌شکنی و بی‌حرمتی به قانون ضدفساد کشور بود.

در برخی موارد، موفقیت گزارش رسانه‌های مستقل در افشای مقامات دولتی فاسد نیازمند همکاری مؤسسات بین‌المللی بوده، این همان چیزی است که در کنیا در سال ۱۹۹۶ اتفاق افتاد و در آن گزارش مطبوعاتی درخصوص توطئه سازمان‌یافته توسط وزیر بهداشت، اعمال فشار مستقیم دولت و غیرمستقیم صندوق بین‌المللی پول را به‌منظور اتخاذ تدابیر در پی داشت. باید تأکید کرد که مطبوعات مستقل نقش مهمی در این مورد داشتند. درحالی که مطبوعات مستقل در کنیا این رسوایی را منتشر کردند، مطبوعات دولتی به‌عنوان تسمه‌نقاله‌های دولت و خود وزیر برای مقاومت در برابر اتهامات وی بدون هیچ‌گونه اظهارنظر درمورد رسوایی استفاده شدند.

1 - Watergate
2 - Richard Nixon
3 - Bob Woodward
4 - Carl Bernstein
5 - Mark Felt
6 - Joseph Estrada

وقتی که مقامات دولتی مشاغل خود را به واسطه ارتکاب فساد از دست می‌دهند، انواع موانع ناشی از فساد مانند تحقیر عمومی، از دست دادن اعتبار، موقعیت اجتماعی و درآمد، و ...، به طور هم‌زمان تقویت می‌شوند. به علاوه، بهم ریختگی سیاسی که به دنبال خلع‌ید مقامات دولتی، استانداردهای پاسخ‌گویی دولت را افزایش می‌دهد، مانعی مضاعف برای فساد تلقی می‌شود.

مقایسه این نتایج - استعفاها، تحقیقات، حتی پیگرد قانونی از مقامات عالی‌رتبه، از جمله سران دولتی - با آنچه در اندونزی رخ داده بود، جایی که رسانه‌های خبری مستقل سال‌ها با سانسور و سرکوب مداوم مواجه بودند - شرایطی که رشد بدون کنترل فساد عمده و اقدامات غیرقابل تحمل اقتصادی مرتبط را فراهم می‌نمود، منجر به فروپاشی اقتصادی و تحولات سیاسی اخیر در سراسر کشور شد. لین نیومن^۱، هماهنگ‌کننده برنامه آسیا برای کمیته محافظت از روزنامه‌نگاران مستقر در نیویورک، اشاره کرده است که، در پی بحران اقتصادی، سوهارتو^۲ رئیس‌جمهور سابق در نهایت «به درجه‌ای از دخالت در اقتصاد توسط خانواده خود اعتراف کرد.» نیومن به طور کنایه‌آمیز ادامه می‌دهد که «چنین بحثی می‌تواند به زندانی شدن روزنامه‌نگاران اندونزیایی منجر شود. فرزندان سوهارتو منافع عمده‌ای در همه چیز، از جمله شرکت یارانه‌ای خودروسازی ملی، ارتباطات راه دور، و رسانه‌ها بدون نیاز به فرصت دفاع از خود در برابر مطبوعات، به دست آوردند. نشریه «Tempo magazine» تنها ناشر اندونزیایی مورد اعتماد عموم توسط سوهارتو در سال ۱۹۹۴ بسته شد. نیومن می‌افزاید: «زیرا گزارش این روزنامه در مورد خانواده سوهارتو، فساد اقتصادی و نقض حقوق بشر در تیمور شرقی موجب خجالت رژیم بود.» اگر مطبوعات مستقل و قوی این کار را به درستی انجام می‌دادند و افکار عمومی داخلی و جهانی را نسبت به فساد فراگیر افشا می‌نمودند به طوری که رژیم سوهارتو را توصیف نمایند، کنترل‌ها علیه چنین فساد می‌تواند در درون جامعه مدنی، دستگاه دولت و جامعه بین‌المللی تقویت شود.

پیدا کردن نمونه‌هایی از این نوع دشوار نیست، به ویژه از آمریکای لاتین معاصر، جایی که موجی از گزارش‌های رسانه‌ای در مورد فساد در سال ۱۹۹۰ منجر به برکناری سه رئیس دولتی شد: عبدالله بوکرام^۳ اکوادوری، کارلوس آندرس پرز^۴ ونزوئلایی و فرناندو کلودی ملو^۵ برزیلی، به علاوه وزرای کابینه در کلمبیا نیز در نتیجه گزارش‌های رسانه‌ای از کار خود برکنار شدند.

تحقیقات سریع توسط نهادهای دولتی

حتی اگر از خلع‌ید یک مقام دولتی نتیجه‌ای حاصل نشود، گزارش سخت‌گیرانه توسط خبرنگاران مستقل اندیش برخی اوقات بذره‌ای اولیه برای تسریع در انجام تحقیقات رسمی توسط مراجع دولتی از

1 - Lin Neumann

2 - Suharto

3 - Abdala Bucaram

4 - Carlos Andres Perez

5 - Fernando Collor de Mello

خودشان را می‌پراکند.

چنین موردی پس از گزارش‌های میامی هرالد در سال ۱۹۹۶ به وجود آمد که «ثابت کرد چگونگی یک بانک برجسته‌ی آمریکایی ممکن است در نوعی از فساد که دموکراسی را در سراسر آمریکای لاتین از بین می‌برد، مشارکت داشته باشد.»^۱ این گزارش‌ها به‌عنوان ابزاری در راستای تسریع تحقیقات جزایی توسط وزارت دادگستری ایالات متحده توصیف شده‌اند.

به همین ترتیب، گزارش‌های منتشرشده در سال ۱۹۹۷ توسط Dallas Morning News در مورد تقلب در قراردادهای معاملات و سوءمدیریت از سوی مقامات بلندپایه در مدارس دولتی دالاس به تسریع رسیدگی به این‌گونه فساد توسط اداره تحقیقات فدرال (FBI) کمک کرد. در مورد مشابه، اف بی آی و پلیس ایالت آرکانزاس بعد از انتشار گزارش‌ها در سال ۱۹۸۶ در روزنامه Arkansas Democrat-Gazette فساد در سراسر سیستم دادگاهی محلی را شناسایی نمودند.^۲

افشای تخلفات تجاری و بازرگانی

رسانه‌ها می‌توانند سوءاستفاده‌های تجاری و بازرگانی را افشا نمایند، مشابه گزارشی که توسط بامیدله آدبایو از مجله The News، در نیجریه، یک کلاهبرداری مالی از بانکی برزیلی به ارزش ۱۸۱ میلیون دلار را فاش کرد. وی در مقاله اکتبر ۲۰۰۱ خود پیچیدگی‌های کلاهبرداری موسوم به «۴۱۹» را بر ملا نمود، توطئه‌ای که نیجریه را به چشمی سیاه تبدیل کرده بود.

تقویت عملکرد و مشروعیت نهادهای دولتی ضد فساد

همچنین، گاهی اوقات، گزارش‌های روزنامه‌نگاران می‌توانند نقش حیاتی در تقویت تأثیرگذاری نهادهای دولتی ضد فساد ایفا نمایند. در واقع گزارش‌دهی منظم، از جزئیات کار و یافته‌های این نهادها می‌تواند نظارت عمومی بر آن‌ها و در نتیجه استقلال این نهادها از منافع مقرر در درون ساختار قدرت را، که ممکن است به نحوی اغواکننده باشد، تقویت نماید.

باید اذعان داشت که روزنامه‌نگاران و رسانه‌های خبری، اغلب رابطه‌ای به‌صورت هم‌زیستی با نهادهای دولتی که وظیفه رسیدگی یا تعقیب مقامات فاسد بر عهده آن‌هاست، دارند. علایق اجتناب‌ناپذیر روزنامه‌نگاران در خدمت کار آن‌ها بوده است به‌طوری‌که خبرنگاران و خروجی‌های آن‌ها را با گزارش‌های تکان‌دهنده و قوی برای پیگیری و انتشار آماده می‌کنند.

علایق نهادهای مبارزه با فساد نیز به همان اندازه در خدمت کار آن‌هاست زیرا گزارش در مورد فعالیت‌های آنان باعث حمایت عمومی برای کارشان خواهد شد و بنابراین، مشروعیت آن‌ها را تقویت خواهد کرد. یکی دیگر از اثرات جانبی مفید گزارش روزنامه‌نگاران در کار چنین نهادهایی این است

1 - IRE, File No. 4097.

2 - IRE, File No. 3183.

3 - Bamidele Adebayo

که ممکن است موجب تحریک شاهدان تخلف برای قدم برداشتن به جلو و شهادت در مورد آنچه می‌دانند، شود.

چنین رابطه‌ی هم‌زیستی در برزیل در ماه‌های منتهی به استعفای کلور رئیس‌جمهور سابق، ثابت شد. به همین ترتیب، در ایتالیا مطبوعات نقش مهمی در انتشار یافته‌های قضات دادگاه‌های مبارزه با فساد ایفا کرده است که در نتیجه به احساسات و عواطف گسترده عمومی سروسامان داده و باعث نیرومندی اصلاحات ضد فساد شده است.

تقویت نهادهای مبارزه با فساد با افشای معایب آن‌ها

با این حال، محدودیت‌هایی برای این نوع همکاری وجود دارد. همیشه این خطر وجود دارد، که روزنامه‌نگاران ممکن است به نهادهای دولتی مبارزه با فساد که پتانسیل ارائه گزارش‌های دراماتیک برای آن‌ها دارند، نزدیک شوند. طبیعت به‌طور بالقوه مشکل‌ساز این چنین روابطی، بدیهی است اگر در نظر داشت که اکثر این نهادها، خود می‌توانند فاسد شده یا آلوده به فساد شوند. هیچ نهاد عمومی یا خصوصی در این مورد نمی‌تواند از فساد مصون بماند. با توجه به این مطلب، برای روزنامه‌نگاران حفظ روحیه سالم استقلال با احترام به پلیس، دادگاه‌ها و دیگر نهادهای دولتی عهده‌دار تفحص، پیگیری قانونی و صدور احکام در مورد فساد، بسیار حیاتی است. در نهایت اگر روزنامه‌نگاری استقلال خود را حفظ کند و نگاه خیره خود را لحظه‌به‌لحظه به این نهادها متمرکز نمایند، می‌تواند به افشای نقاط ضعف آن‌ها کمک نماید و در نهایت، تأثیر آن‌ها در مهار فساد را تقویت نماید.

ترویج پاسخ‌گویی در رأی‌گیری‌ها

حتی زمانی که گزارش فعالیت‌های فاسد به اشکال عمومی به‌طور مستقیم منجر به تنظیم کیفرخواست‌ها نشود، می‌تواند منجر به شکست انتخاباتی برای سیاستمداران شود.

رسوایی «پول برای موضوع» در انگلیس موردی مناسب است. در سال ۱۹۹۴، خبرنگار روزنامه ساندی تایمز (Sunday Times) از تطمیع دو نفر از اعضای محافظه‌کار مجلس به منظور اظهار رضایت برای پذیرش مبلغی بیش از هزار دلار توسط یک تاجر در قبال ارائه موضوعات مطرح در مجلس خبر داد. جنجال حاصل از تنفر عمومی منجر به تغییر ناگهانی در افکار عمومی نسبت به پیروزی تونی بلر^۱ نخست‌وزیر وقت در برابر جان میجر^۲ محافظه‌کار در انتخابات سال ۱۹۹۷ شد (بارباش^۳، ۱۹۹۴).

در اکراین، لئونید کوچما^۴ رئیس‌جمهور سابق، متهم به تخلفات متعدد (قتل یک روزنامه‌نگار به دلیل بررسی عملکرد وی) شده بود. به هر حال، این اتهامات منجر به استعفای وی نشد. با این وجود،

1 - Tony Blair

2 - John Major

3 - Barbash

4 - Leonid Kuchma

کمیسیون انتخابات اظهار کرد که کوچما مظنون به تقلب انتخاباتی در طول انتخابات بعدی است و در عوض ویکتور یوشچنکو^۱ رهبر حزب مخالف به جای وی انتخاب شد.

کمک به شکل‌گیری افکار عمومی خصمانه نسبت به «سستی» در دولت

حتی زمانی که گزارش در مورد فساد آشکار و یا دیگر رفتارهای مشکوک توسط چهره‌های عمومی به‌طور مستقیم منجر به اعلام جرم، تعقیب و یا فراخوانی به دادگاه نشود، بازهم به‌نوعی به شکل‌گیری اعتراض عمومی در مقابل چنین فعالیت‌هایی کمک می‌کند و در نهایت می‌تواند باعث شکست انتخاباتی برای سیاستمداران یا در واقع، برای دولت‌ها شود.

فشار برای تغییر در قوانین و مقرراتی که جوی مساعد برای فساد ایجاد می‌کنند

روزنامه‌نگاری تحقیقی همچنین می‌تواند با شناسایی عیوب و ضعف در قوانین و مقرراتی که جوی مساعد برای فساد ایجاد می‌کنند، با آن مقابله کند.

با این کار مقامات وادار به تغییر یا بررسی تغییر در این قوانین و مقررات خواهند شد. چنین فشاری برای تغییر در قوانین می‌تواند به‌صورت توصیه‌های مشخصی از یک رسانه باشد. برای مثال، رادیو WTLC در ایندیاناپولیس به مجموعه‌ای از اتفاقات در سال‌های ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵ که به بررسی فساد پیشین در اداره دولتی ایندیانا و ضعف‌های انتقاد شده در قوانین موجود پرداخته بود، خاتمه داد. این ایستگاه رادیویی فهرست پیشنهادی خود از جمله افزایش اختیارات کمیسیون‌های اخلاقی دولت و دادستانی را اعلام نمود.

علاوه بر این، هنگامی که روزنامه‌نگاران درگیر تلاش برای کشف رفتار مشکوک توسط مقامات شوند - به‌ویژه استفاده آن‌ها از بودجه دولتی - خروجی‌های رسانه‌ها گاهی اوقات تبدیل به نیروهای فعال قوی به نفع افشاگری بهتر است. چنین افشاگری، یا پتانسیلی برای آن، اغلب می‌تواند به‌عنوان یک بازدارنده قوی فساد عمل کند. در کانادا، جنگ دادگاهی طولانی روزنامه Montreal Gazette برای دسترسی به حساب‌های هزینه‌ی اعضای منتخب مجمع قانون‌گذاری استانی را می‌توان در این سبک مشاهده نمود.

اجتناب از تبلیغات جانبی

گاهی اوقات، تحقیقات صرف توسط روزنامه‌نگاران در غیاب انتشار گزارش‌ها و یا اثبات قطعی تخلف، می‌تواند به یک پاسخ محسوس از مقامات مشتاق برای صیانت از اعتبار خود و نهادهای نماینده از طرف آن‌ها، منجر شود. در سال ۱۹۹۶ روزنامه Minneapolis Star-Tribune شروع به تحقیقات در مورد رابطه‌ی یک باشگاه محلی و چندین افسر شرور پلیس کرد. این افسران به «دریافت هدایای ویژه» از این باشگاه تا زمان فروکش نمودن تعقیبات جدی که می‌توانست منجر به تعطیلی کسب‌وکار آنان شود،

اعتراف نمودند، اداره پلیس با صدور حکم تحقیقات و بازرسی، خود به این موضوع پایان داد.

اثرات نامحسوس روزنامه‌نگاری در فساد

در اغلب موارد، تأثیر روزنامه‌نگاری به‌عنوان مانعی برای فساد، احتمالاً کمتر محسوس و بیشتر غیرمستقیم است. این مهارت نه تنها از لحاظ تأثیر مستقیم آن در موارد خاص «سستی» و یا فساد، بلکه در چارچوب نقش گسترده‌تری که روزنامه‌نگاری در جامعه ایفا می‌کند، باید مورد ملاحظه قرار گیرد. مایکل جانستون^۱ متخصص در زمینه مطالعه‌ی فساد، عوامل متعددی را که برای کمک به حفظ شیوه‌های فاسد وجود دارند، شناسایی نموده است. در بسیاری از موارد، روزنامه‌نگاری مستقل و تهاجمی یکی از مؤثرترین نیروهای خنثی‌کننده علیه این عوامل است. وی معتقد است که به‌طور کلی رقابت ضعیف سیاسی در تقویت «جدی‌ترین موارد تثبیت فساد سیاسی و اداری» نقش دارد. روزنامه‌نگاری مستقل و سخت‌گیرانه می‌تواند به‌عنوان کنترلی غیرمستقیم بر حسب نوع فساد که در غیاب چنین رقابتی به‌سادگی با ارائه انواع نقطه نظرات رشد خواهد کرد، عمل کند و بنابراین باعث اطلاع‌رسانی بحث‌های عمومی و در نتیجه افزایش رقابت سیاسی و اقتصادی خواهد شد. این موضوع می‌تواند عملکردی مشابه با ارائه تنوع گسترده‌ای از اطلاعات اقتصادی توسط فعالان در بازار داشته باشد. وی می‌افزاید: «قوی‌ترین رقابت سیاسی و اقتصادی می‌تواند پاسخ‌گویی را افزایش دهد، راهکارهای بهتری برای برخورد با شبکه‌های فساد ارائه نماید و انگیزه‌ای برای رهبران سیاسی در اقدام علیه فساد ایجاد نماید.»

دو عامل دیگر که ارتباط نزدیکی با سطوح بالای فساد دارند «سطح پایین مشارکت جمعی در سیاست و حمایت ضعیف از آزادی‌های مدنی» هستند. در اینجا، نیز، رسانه‌های خبری مستقل آشکارا، اگرچه غیرمستقیم، نقش وزنه تعادل را ایفا می‌کنند. مخصوصاً زمانی که خروجی‌های رسانه‌های خبری، رهبری فشار برای افزایش آزادی‌های مدنی را بر عهده دارند به‌طوری‌که آن‌ها نوعی منافع مسلم قوی نظیر آزادی بیان دارند.

«دانش اشتراکی» در میان دایره‌ی محدود ذی‌نفعان فساد به‌عنوان دیگر ویژگی محیط‌های فاسد شناخته شده است که روزنامه‌نگاری مستقل و تهاجمی می‌تواند به‌عنوان مؤثرترین وزنه به کار گرفته شود. تازمانی که روزنامه‌نگاری به انتشار دانش تصمیم‌گیری‌ها و فرایندهای عمومی فراتر از گروه‌های کوچک تصمیم‌گیرنده اقدام کند، می‌تواند نقش مهمی در تضعیف این تصور در مورد فساد ایفا کند. از آنجا که ذی‌نفعان فساد همچنین «سهم عمده‌ای در... انجماد منتقدان و نگهداری از عوامل و مشتریان دارند» در اینجا نیز، مطبوعات می‌توانند، به‌عنوان کنترلی در مقابل فساد و به‌عنوان متحدی بالقوه و بدیهی برای کسانی که از گم‌گشتگی شخصی رنج می‌برند، به کار آید زیرا آن‌ها حاضر به شرکت در مبادلات و یا سیستم‌های فاسد نخواهند شد. چنین عناصری غالباً به روزنامه‌نگاران مراجعه می‌کنند،

که به نوبه خود از آن‌ها به عنوان منابع استفاده می‌کنند. گزارش‌هایی که آن‌ها تهیه می‌کنند، می‌تواند به عنوان مقدمه‌ای برای اخبار تحقیقی و یا به عنوان ادعاهایی به کار رود که می‌تواند به عنوان آیت‌های خبری برای عموم پخش شود.

نوع دیگری از منابع که اغلب مدارکی برای گزارش‌های تحقیقی فراهم می‌کند، عناصر موجود در جوامع مدنی سازمان‌یافته مانند سازمان‌های غیردولتی، اتحادیه‌های صنفی، گروه‌های فشار، لابی‌ها و گروه شهروندان هستند. جانستون معتقد است که گروه‌های سازمان‌یافته فعال در جامعه مدنی می‌توانند نوعی کنترل بر عملکرد دولت و بر روی یکدیگر باشند.

سازمان‌های جامعه مدنی اغلب دست‌در دست خبرنگاران، یعنی کسانی که به اشاعه خواسته‌های این گروه‌ها کمک نموده و یافته‌های آن‌ها را برای عموم مردم منتشر می‌کنند، فعالیت می‌کنند.

علاوه بر این، از آنجایی که فساد غالباً نیازمند هماهنگی عرضی میان سازمان‌ها است، افزایش استقلال آن‌ها از یکدیگر یا «تشویق به رقابت در بین آن‌ها برحسب اعتبارات، وظایف و موقعیت» می‌تواند شیوه‌ای مفید برای تضعیف یکی از شرایط مورد نیاز برای انواع خاصی از فساد باشد. مشاهده چگونگی ایفای نقش توسط رسانه‌ها در این خصوص کار دشواری نیست، مخصوصاً زمانی که آن‌ها وظیفه گزارش داستان‌های برجسته اختلافات و یا رقابت بین سازمان‌ها مانند نیروهای پلیس و یا نهادهای نظارتی را بر عهده دارند.

جانستون سازمان‌دهی کنترل و توازن، در درون دولت را توصیه می‌کند به طوری که بخش‌های مختلف آن به عنوان چشمی محتاط بر یکدیگر عمل می‌کنند.

چگونه می‌توان رسانه را تقویت کرد؟

در اینجا می‌توان گفت رسانه عنصری حیاتی در استراتژی ضد فساد هر کشوری است. حال این سؤال مطرح می‌شود که چگونه می‌توان یک رسانه مستقل را پرورش داد. این بخش به بررسی چگونگی تقویت رسانه‌ها و به ویژه حمایت آن توسط مجلس می‌پردازد.

مالکیت خصوصی در مقابل مالکیت عمومی

برخی تحلیل‌گران پیشنهاد کرده‌اند که خصوصی‌سازی رسانه‌های خبری می‌تواند به معنای تقویت حاکمیت آن‌ها و بنابراین، صلاحیت آن‌ها برای مقابله با فساد باشد. جرمی پاپ، در بسیاری از کشورها مشاهده نمود که «دولت خود بزرگ‌ترین مالک رسانه‌ها است، که می‌تواند استقلال رسانه‌ها را زیر پا بگذارد.» وی پیشنهاد می‌کند که «لازم است تا تلاش‌هایی برای تقویت استقلال رسانه‌ها، احتمالاً از طریق خصوصی‌سازی رسانه‌های تحت تملک دولت انجام شود.» بدون شک، گاهی اوقات خصوصی‌سازی می‌تواند پیامدهای مفیدی در این خصوص داشته باشد. برای مثال، در مکزیک، مدت

کمی پس از انصراف حکومت از کنترل تمامی شبکه‌های تلویزیونی در سال ۱۹۸۹ و تسهیل در ورود کاغذ روزنامه، رسانه‌های خبری گزارش‌های خصمانه خود در مورد فساد را آغاز نمودند. یکی از این شبکه‌های خصوصی، تلویزیون Azteca بود، که با پوشش خبری این فسادها هزینه اشتراک خود را از ۵ درصد به ۲۵ درصد افزایش داد. شبکه دولتی نیز عکس‌العمل خود را با پوشش بیشتر این گزارش‌ها نشان داد.

تحلیل‌های اخیر بانک جهانی از ساختارهای مالکیت رسانه‌ها در ۹۷ کشور نشان داد که رسانه‌های دولتی تمایل کمتری نسبت به رسانه‌های خصوصی در نظارت بر دولت دارند. کشورهایی که مالکیت دولتی رسانه‌ها را کاهش داده‌اند اغلب بهبود سریع در میزان و کیفیت پوشش را تجربه کرده‌اند. به‌عنوان مثال، خصوصی‌سازی بخشی از رادیو و تلویزیون مکزیک در سال ۱۹۸۹ به افزایش شدید پوشش رسوایی‌های فساد دولتی منجر شده است. در مقایسه با مناطق دیگر، آمریکای لاتین و کارائیب سطح کمی از مالکیت دولتی از رسانه‌ها را در اختیار دارند، درعین حال هر دو تلویزیون و مطبوعات در اختیار معدودی از مالکان خصوصی متمرکز شده است. این تمرکز بسیار بالای مالکیت خصوصی، همراه با مقررات محدودکننده در بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین، منجر به توقیف رسانه‌ها شده است.

هیچ گزارش تحلیلی از شیوه‌های فساد در رسانه‌های غول‌پیکر مشاهده نشده است. در برخی موارد، مالکان رسانه‌های خصوصی خود می‌توانند تأثیری قوی بر پوشش یا عدم پوشش فساد داشته باشند، به‌ویژه اگر به دنبال منافع بیشتری به‌جای اصول گزارش‌دهی آزاد و دسترسی به اطلاعات باشند. زمانی که کنترل رسانه‌ها و قدرت سیاسی در شخصیتی واحد ترکیب شود چنین تضاد منافی بر جستگی بیشتری خواهد یافت. یکی از روشن‌ترین تبلورها در این زمینه، نخست‌وزیر ایتالیا سیلویو برلوسکونی^۱ است، حاکم منابع بزرگ املاک و مستغلات، صاحب چندین روزنامه بزرگ و فردی که کنترل بیشترین بازار شبکه‌های خصوصی ایتالیا در اختیار اوست. به‌عنوان رئیس دولت، او می‌توانست بازار شبکه‌های عمومی کشور را کنترل کند زیرا او به‌طور مؤثر کاندیدای مدیریت رادیو و تلویزیون ایتالیا (RAI) بود. برلوسکونی برای حل و فصل تضاد مابین نقش سیاسی و منافع تجاری خود در روز اول دولت خود وعده داده بود. این دوره مدت‌زمانی طولانی است که منقضی شده و تا زمان نوشتن این مقاله برلوسکونی مجبور به نصب «فایروال» (دیوار آتشین) بین نقش‌های دوگانه‌ی نخست‌وزیری و غول رسانه‌ها شده است.

RAI و شرکت‌های رسانه‌ای برلوسکونی از استقلال خاص تحریریه تحت یک توافق جمعی ملی لذت می‌برند. در واقع، روزنامه‌نگارانی که گزارش سخت‌گیرانه در مورد منافع کسب و کار نخست‌وزیر داشته‌اند، خطر انتقال‌های ناخوشایند و یا از دست دادن دائمی کارشان را تجربه نموده‌اند. به‌هرحال خصوصی‌سازی ممکن است همواره نتایجی مطلوبی در پی نداشته باشد - به‌ویژه

زمانی که در کشوری فقیر با تجارتي کوچک و محدود به طبقه ممتاز جامعه اتفاق بیفتد که ارتباط نزدیکی با قدرت‌مداران دولت دارد. لاورنس کیلیمویکو^۱، رئیس هیئت مدیره انجمن نویسندگان و کارگران رسانه‌های تانزانیا، اذعان کرد که، «باوجود نمای روشنفکری و آزادی‌خواهی - با چهار ایستگاه تلویزیونی، هفت ایستگاه رادیویی، و بیش از هشت روزنامه - صدای دولت در همه جا وجود دارد.» وی در یک کارگاه روزنامه‌نگاری تحقیقی اشاره کرد، «اما در حقیقت همه این‌ها با یک صدا هدایت می‌شوند و با روزنامه‌نگاران تبدیل به بلندگویی [برای] دیدگاه‌های مالکان و متحدان آن‌ها در دولت می‌شوند.» روشی که حکومت تانزانیا برای حفظ معیار کنترل به کار می‌برد، صدور مجوزهای رسانه‌ای برای افراد معدود شناخته‌شده‌ای است که با قدرت در صدد حفظ وضعیت فعلی هستند.

از طرف دیگر، رسانه‌های دولتی، ادعای استقلال خود را به‌طور سلطه‌جویانه‌ای حتی در کشورهای فقیر ابراز می‌کنند. به‌عنوان مثال، در کشور بنین^۲ روزنامه دولتی La Nation متناظر با قانون اساسی توسط یک نهاد نظارتی متشکل از دولت و منتخبین غیردولتی شناخته‌شده از دخالت دولت محافظت می‌شود. راه حل آرمانی شاید ترکیبی از رسانه‌های خبری خصوصی و عمومی با تنوع گسترده‌ای از مالکیت اجرا از طریق قانون ضدانحصار^۳ قوی است. اصول دموکراسی آگاه کیپ تاون (۲۰۰۲) تأکید می‌کند که دولت «باید به انواع چاپ، نشر، و رسانه‌های مبتنی بر اینترنت برای پایان دادن به اتکا به منابع اطلاعات دولتی یا منابع اطلاعاتی حزبی دسترسی داشته باشد.» اعضای مجلس در بهترین موقعیت برای تسهیل مالکیت رسانه‌ای متنوع هستند، خواه با تصویب قانون خصوصی سازی رسانه و خواه با تسهیل ورود رسانه‌ی خصوصی به عرصه فعالیت. به‌علاوه، نمایندگان مجلس، زمانی که عمل نظارتی خود را انجام دهند، می‌توان تضمین نمود که حکومت، رسانه‌ای دولتی با منابع و استقلال لازم برای اجرای فعالیت‌های حیاتی آن‌ها تأمین می‌کند. صرف نظر از کسانی که فکر مالکیت خروجی رسانه‌ها را دارند، مالکان باید در نظر داشته باشند که مالکیت تعهدی برای اطلاع‌رسانی است.

حمایت از روزنامه‌نگاری تحقیقی و استقلال تحریریه

به‌منظور گسترش آزادی در جامعه و افشای فساد، صاحبان رسانه‌ها، ناشران، سردبیران و روزنامه‌نگاران باید فشار برای گزارش در مورد منافع سیاسی و خصوصی را تقویت نمایند. آن‌ها همچنین باید این موانع را برای گزارش آزاد در غیاب قانون مؤثر آزادی اطلاعات پشت سر بگذارند.

استقلال تحریریه - حق رسانه‌ها در تصمیم‌گیری‌های تحریریه با توجه به وجدان و دستورالعمل‌های رفتاری - در قلب پدیده ترویج روزنامه‌نگاری مستقل نهفته است. روزنامه‌نگاران و گروه‌های آزادی رسانه‌ها نیاز به رایزنی صاحبان رسانه‌ها و مدیریت آن‌ها، صرف نظر از خصوصی یا دولتی بودن، برای به

1 -Lawrence Kilimwiko

2-Benin

3 -Antitrust

رسمیت شناختن اصول استقلال تحریریه دارد که به روزنامه‌نگاران اجازه می‌دهد به دنبال داستان‌هایی در راستای منافع عمومی، از جمله افشای فساد باشند. در صورت تمکن مالی، سردبیران و صاحبان رسانه‌ها باید برای پوشش پیشرفته سرمایه‌گذاری کنند. در بسیاری از موارد، امتناع از دریافت خدمات رایگان یا رشوه علنی مشکلات مالی اضافی برای رسانه‌هایی که در حال حاضر منابع محدودی دارند، به وجود می‌آورد. این رسانه‌ها منابعی ندارند تا به روزنامه‌نگاران اجازه دهند در تحقیقات طولانی و یا تحقیقات موردنیاز برای پوشش حرفه‌ای شرکت کنند.

با توجه به این شرایط، جامعه بین‌المللی نمی‌تواند مسئولیت مهار فساد را به تنهایی بر دوش روزنامه‌نگاران و سازمان‌های رسانه‌ای قرار دهد. اگرچه برنامه‌های کمی برای حمایت از روزنامه‌نگاری تحقیقی وجود دارد، یک مؤلفه مهم در مقابله با فساد، ارائه آموزش توسط سازمان‌های متخصص است.

آموزش روزنامه‌نگاری تحقیقی

روزنامه‌نگاری تحقیقی را می‌توان «جمع‌آوری و پردازش اطلاعات در مورد رویدادهای اخیر برای انتشار به عموم مردم از طریق روزنامه‌ها، مجلات، رادیو و...» تعریف نمود (کاتوروبو^۱ ۱۹۹۵). پیاده‌سازی این نوع روزنامه‌نگاری نیاز به روزنامه‌نگارانی با مهارت‌های عالی دارد که باید خبره و عالم باشند. به‌طور خاص، مهارت‌های پژوهشی، تحلیلی و ارتباطی باید توسط دست‌اندرکاران برای کارایی بیشتر فعالیت خود فراگرفته شود. روزنامه‌نگاران باید ظرفیت رسیدن به قضاوت‌های سالم و متعادل سیاسی و اجتماعی را به دست آورند. اشتباه در انجام این کار باعث به خطر افتادن قابلیت اطمینان کار آن‌ها خواهد شد. اگر روزنامه‌نگاران توقع پوشش و ارائه خبرهای منصفانه و دقیق را داشته باشند، باید دارای ابزار و دانش مناسب آن نیز باشند. این موضوع به‌ویژه زمانی مهم است که آن‌ها ملزم به تبیین آسان، هر چند صادقانه، اخبار برای عموم مردم باشند.

دست‌اندرکاران رسانه‌ها که تمامی شرایط لازم برای چنین حرفه‌ای را ندارند باید آموزش‌های اختصاصی را دریافت کنند. آموزش به‌ویژه زمانی ارزشمند خواهد بود که به اجتناب از خطاها و نارسایی‌ها در گزارش منجر شود. رایج‌ترین اشتباهات در جمع‌آوری حقایق و داده‌ها، در پردازش تحلیلی آنها، در طراحی نتیجه‌گیری منطقی از واقعیت‌های مشاهده شده و در بیان وقایع رخ می‌دهد. با آموزش می‌توان از این خطاها به‌راحتی اجتناب نمود که باعث بهبود کیفیت روزنامه‌نگاری و بالا بردن اعتبار رسانه‌ها خواهد شد (کاتوروبو ۱۹۹۵). همراه با ارائه ابزار مناسب، آموزش باید ماهیت فساد و نیاز به مبارزه با شیوه‌های فساد را به روزنامه‌نگاران تفهیم نماید.

انجمن بانک جهانی ده‌ها کارگاه روزنامه‌نگاری تحقیقی و آموزش ویدئو کنفرانس را برای بیش از ۲۰۰۰ روزنامه‌نگار از ۲۴ کشور تسهیل نموده است. هدف از این کارگاه‌ها شامل دو بخش است: بالا بردن آگاهی روزنامه‌نگاران از اهمیت حیاتی موضوع فساد و اثرات مضر آن بر توسعه و بهبود

مهارت‌های روزنامه‌نگاران به طوری که آن‌ها می‌توانند در مورد حوادث فساد به شیوه‌ای حرفه‌ای و اخلاقی تحقیق نموده و گزارش ارائه نمایند.

سازمان‌های دیگری نیز اهمیت آموزش روزنامه‌نگاری تحقیقی را به رسمیت شناخته‌اند. در سپتامبر سال ۲۰۰۵، دولت ایالات متحده برنامه دوساله آموزش روزنامه‌نگاری تحقیقی برای ۲۲۵ دانش‌آموز در آفریقای جنوبی را اعلام نموده است که هدف آن کمک به اقدامات ضد فساد آن کشور بوده است. انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تحقیقی، بانک جهانی و احزاب دموکرات مرکز استرالیا (CDI) دوره‌های آموزشی برای روزنامه‌نگاران علاقه‌مند به پوشش فساد را توسعه داده‌اند. در ماه مارس سال ۲۰۰۲، CDI کارگاه گزارش‌نویسی انتخاباتی را در پاپوآی گینه‌نو برگزار کرد که می‌توان به بخش «پوشش سیاستمداران فاسد» اشاره کرد.

از دیگر موارد این ابتکار عمل‌ها، برنامه روزنامه‌نگاران علیه فساد (PFC) بود که توسط یک سازمان غیردولتی (Probidad) در السالوادور باهدف ترویج دموکراسی در آمریکای لاتین انجام شد. این سازمان یک سیستم نظارتی پست الکترونیکی را اجرا می‌کند که سبب تسهیل تبادل مقالات، نظرات، اطلاعیه‌ها، تماس‌ها و منابع در میان روزنامه‌نگاران بررسی‌کننده فساد می‌شود. روزنامه‌نگاران هویت خود را به مدیر انجمن برای تأیید گواهی‌نامه اعلام می‌کنند، اما این سیستم، تضمینی به صورت گمنام به روزنامه‌نگارانی که از تهمت متقابل ترس دارند، اعطا می‌کند. هنوز تأثیر کامل این ابتکار عمل بررسی نشده است، اما بیش از ۶۰۰ روزنامه‌نگار قرارداد استفاده از خدمات این سیستم را امضا کرده‌اند. یک ابتکار عمل مشابه، وب‌سایتی برای روزنامه‌نگاران آفریقایی برای گزارش فساد است. وب‌سایت IFJ-PA که توسط IFJ و با کمک مالی اتحادیه اروپا تأسیس شده است، اطلاعات رایگانی را ارائه می‌دهد و مربوط به گزارش‌های روزنامه‌نگاران آفریقایی از مسائل مالی و فساد است. روزنامه‌نگاران با ارائه منابع به مدیر این سایت به عضویت آن درمی‌آیند.

ابتکارات Probidad و IFJ روزنامه‌نگاران را قادر می‌سازد تا مقالات خود را در صورت عدم پذیرش از طرف سردبیران خودشان، برای دیگر روزنامه‌نگاران و یا سازمان‌های خبری ارسال نمایند.

محافظت از روزنامه‌نگاران

وجود ارتباط سخت بین روزنامه‌نگاری و قدرت سیاسی از مشخصه‌های جامعه‌ی دموکراتیک است. برای رسیدن به این حد، تمایل به دستکاری در اخبار و شکل دستور کار بحث‌های عمومی در تمام جوامع وجود دارد. در کشورهایی که فرهنگ دموکراتیک به خوبی برقرار نشده است، محدودیت‌ها در تمایلات رسانه‌ای بیشتر صریح بوده و عمیقاً برای بحث و تعامل عمومی مضر است. از آنجاکه امور دولتی یا گروه‌های ذی‌نفع قدرتمند با پنهان‌کاری محافظت می‌شوند، اگر روزنامه‌نگاران شروع به تحقیقاتی نمایند که منجر به افشای فساد شود در این صورت با موانع قابل توجه و خطرات فیزیکی و تهدیدات اخلاقی مواجه خواهند شد. با وجود این، رسانه‌ها با چالش‌های درون سلسله‌مراتب

خود نیز مواجه هستند.

برای مثال، تقسیم جامعه به گروه‌های قومی سبب ایجاد احساس ترس در بین روزنامه‌نگاران کنیایی شده است، در حالی که با انتقاد از شیوه‌های فاسد توسط عضوی از همان قومیت همراه با مجموعه‌ای از ملاحظات، ممکن است جامعه قومی آن‌ها را نیز تحت تأثیر قرار دهد. این مسئله نوعی احساس تعهد اخلاقی ایجاد می‌کند که ممکن است مانع از ارائه گزارش‌های دقیق و آزاد توسط روزنامه‌نگاران شود. همچنین ممکن است اغلب روزنامه‌نگاران آزاد گزارش‌هایی در مورد فعالیت‌های فاسد با به خطر انداختن جان‌شان منتشر کنند. متأسفانه نمونه‌هایی از روزنامه‌نگاران شکنجه شده، زندانی شده و یا حتی کشته شده پس از گزارش در مورد فساد به آسانی یافت می‌شوند. آمارهای انجمن بین‌المللی ایمنی خبری (INSI)^۱ نشان می‌دهد که سال ۲۰۰۴ خونین‌ترین سال در یک دهه برای رسانه‌های خبری بوده است. در مجموع ۱۱۷ روزنامه‌نگار در حین پوشش اخبار در دنیا کشته شده‌اند که ۴۲ نفر از آن‌ها در عراق بودند. دوسوم از ۷۵ نفری که در هر جایی غیر از عراق کشته شده بودند، به دلیل شغلشان مورد هدف قرار گرفته بودند.

رودنی پیندر^۲ مدیر INSI می‌گوید: «دموکراسی دینی عظیم و روبه‌رشد نسبت به این اعضای مطبوعات آزاد برگردن دارد... این بهترین زمان است که این کشورها با خون روزنامه‌نگاران در دست‌ان نشان اقدام مؤثری برای پیدا کردن و تحت تعقیب قرار دادن قاتلان نشان انجام دهند.»^۳

به گفته اتحادیه بین‌المللی روزنامه‌نگاران (IFJ)^۴، در سال ۲۰۰۴، ۱۲۹ روزنامه‌نگار در دنیا کشته شده‌اند، بدترین ۱۲ ماه تلفات در سابقه: «ماورای هر مرگ غم‌انگیز، داستانی از ارباب گسترده و خشونت علیه روزنامه‌نگاران در مقیاسی که قبلاً هرگز دیده نشده است، وجود دارد.»

در یک مطالعه بر روی روزنامه‌نگاران کشته شده مابین سال‌های ۱۹۹۳ و ۲۰۰۲، کمیته حفاظت از روزنامه‌نگاران مستقر در نیویورک (CPJ)^۵ نشان داد که ۱۶ درصد از روزنامه‌نگاران در چارچوب زمانی پوشش جنگ کشته شده‌اند، در حالی که بیش از ۸۰ درصد افراد مورد هدف قرار گرفته، به وسیله افرادی کشته شده‌اند که هدفشان ساکت نمودن و پایان دادن به کار آن‌ها بوده است. نمونه‌هایی از چنین قتل‌هایی در سراسر جهان یافت می‌شود. در تایلند، روزنامه‌نگاری به نام سایومچای ویجیتویتاپونگ^۶ از روزنامه Matichon در سال ۱۹۹۸ پس از تحقیق در مورد اتهامات فساد مربوط به یک پروژه‌ی ساختمانی و افشای پیشنهاد رشوه برای توقف تحقیقاتش به ضرب گلوله کشته شد. در کلمبیا، اسکار

1- International News Safety Institute

2- Rodney Pinder

3- INSI Web page: <http://www.newssafety.com/>

4- International Federation of Journalists

5- Committee to Protect Journalists

6- Sayomchai Vijitwittayapong

گارسیا کالدرون از روزنامه El Espectador نیز به قتل رسید، که به گفته همکارش، وی در حال بررسی ارتباط بین گاوبازی و جنایت سازمان یافته بود. در روسیه، جنازه لاریسا یودینا، ویراستار روزنامه Sovietskaya Kalmykia Today بعد از تهدید به دلیل افشاگری در مورد یک فساد محلی پیدا شد. اما این‌ها برخی از نمونه‌های افراطی‌ترین خطرات ناشی از گزارش در مورد فساد هستند. در واقع، به نظر می‌رسد روزنامه‌نگارانی که در مورد فساد گزارش نموده‌اند احتمالی بالاتر از حد میانگین برای به قتل رسیدن داشته‌اند. از ۱۷ خبرنگار کشته شده در نیمه اول سال ۱۹۹۸، با توجه به آمار کمیته حمایت از روزنامه‌نگاران مستقر در نیویورک - دست کم هفت تن از کلمبیا، مکزیک، فیلیپین، روسیه و تایلند - در حال بررسی موارد فساد بوده‌اند.

اگرچه اقدامات ناچیزی می‌توان در محافظت از روزنامه‌نگاران نسبت به تهدید اخلاقی انجام داد، اما حفاظت از حقوق روزنامه‌نگاران و امنیت آن‌ها برای اطمینان کامل از نقش روزنامه‌نگاری در مهار فساد حیاتی است. گام‌های این مسیر در آفریقای جنوبی برداشته شده است که در آن طرح‌های پیشنهادی برای لایحه قانونی دموکراسی باز حاوی مفادی برای حمایت از کارکنان دولت در برابر انتقام‌جویی است، در صورتی که آن‌ها اطلاعات در مورد اقدامات فاسد را افشا نمایند (مارتین و فلدمن ۱۹۹۸). این تنها نمونه‌ای از نوعی قانون‌گذاری است که مجلس می‌تواند برای محافظت از روزنامه‌نگاران و منابع آن‌ها به تصویب برساند. در نهایت مجلس باید در راستای ایجاد یک محیط کاری تلاش کند تا در آن مقامات مایل و قادر به تعقیب قانونی کسانی باشند که دست‌اندرکاران ارباب یا آزار روزنامه‌نگاران هستند. مجلس می‌تواند مشوق تصویب قانون حقوق بشر، از جمله تأسیس نهادهای پاسخ‌گویی مانند کمیسیون‌های حقوق بشر باشد، و همچنین تضمین نماید که قانون جزا حمایت کافی از روزنامه‌نگاران را فراهم می‌نماید. به علاوه، هنگامی که نظارت بر نهادهای کلیدی، مانند پلیس و نیروهای امنیتی انجام گیرد، مجلس می‌تواند توجه خاصی به پاسخ این گونه نهادها برای چنین حوادثی داشته باشد تا اطمینان حاصل شود که کسانی را که مرتکب خشونت علیه روزنامه‌نگاران شده‌اند، به حساب آورده است.

دسترسی به اطلاعات

دسترسی به اطلاعات می‌تواند به معنای توانایی شهروندان برای به دست آوردن اطلاعات در دسترس دولت باشد. «حق دانستن» به طور ناگسستگی با پاسخ‌گویی مرتبط است، یک اصل محوری از حکمرانی خوب. قضاوت آگاهانه، زمانی که فعالیت‌ها و فرایندهای تصمیم‌گیری دولت در معرض نظارت عمومی قرار داده نشود، اگر غیرممکن نباشد دشوار است. اطلاعات اجازه می‌دهد تا مردم فعالیت‌ها را مورد دقت و بررسی قرار دهند و مبنایی مناسب برای بحث آگاهانه در مورد آن فعالیت‌هاست. اطلاعات به

1- Oscar Garcia Calderon

2- Larisa Yudina

3 - Martin and Feldman

شهروندان اجازه می‌دهد تا قضاوتی آگاهانه در مورد فعالیت‌های دولت و در نتیجه پاسخ‌گو نگه داشتن مقامات داشته باشند (مارتین و فلدمن ۱۹۹۸). ویلسون^۱ رئیس‌جمهور سابق آمریکا می‌گوید: «همه می‌دانند که فساد در مکان‌های مخفی پیشرفت می‌کند و در محل‌های عمومی از آن اجتناب می‌شود، و معتقدیم که این فرضی منصفانه است که پنهان‌کاری به معنای ناشایستگی است» (IFJ ۱۹۹۶). بنابراین، دسترسی آزادانه به اطلاعات در مورد فعالیت‌های دولت ضروری است تا از پاسخ‌گویی مقامات دولتی اطمینان حاصل شود.

در این میان، سهم رسانه‌ها کاملاً آشکار است: ارائه‌ی اطلاعات به‌موقع و دقیق در امور دولت، کسب‌وکار و منافع خاص برای عموم.

به‌طور کلی، دولت‌ها در ارائه‌ی اطلاعات به مردم که بازتاب خوبی در خود آن‌ها دارد، کمی مشکل دارند. این مشکل زمانی به‌وجود می‌آید که اطلاعات به‌طور متضاد منتشر می‌شوند؛ در این زمان، «افشای داوطلبانه توسط دولت» کارکردی ندارد، زیرا هم سیاستمداران و هم بوروکرات‌ها اغلب سعی می‌کنند تا اطلاعات پیچیده را مخفی کنند. دولت باید به‌منظور کاهش محدودیت‌های افشاگری و افزایش دسترسی تصمیم‌گیرندگان به مطبوعات و مردم به‌طور یکسان، درصدد ترویج تغییرات نگرشی باشد، که تدوین قانون تضمین دسترسی به اطلاعات تنها راه است. بنابراین تقاضا برای دسترسی به اطلاعات قانونی خواهد بود. چنین قانونی می‌تواند سبب ایجاد حق بازبینی (برای مثال، توسط نهاد آموذمان^۲)، ارائه راهکارها با الزام به رعایت آن‌ها، اعمال محدودیت‌های زمانی برای درخواست اطلاعات و الزام به رسیدگی، و شناسایی دسته‌ای از اطلاعات با ضمانت دسترسی به آن‌ها شود. استدلال در برابر چنین قانونی شامل مواردی است که مربوط به هزینه و کارایی هستند. با این حال هزینه‌های ناکامی در تصویب چنین قوانینی شامل عدم پاسخ‌گویی و شفافیت بوده و محیط مناسبی برای فساد به شمار می‌رود. به همین دلیل است که یک گروه تحقیق متشکل از نمایندگان از WBI و انجمن پارلمانی مشترک‌المنافع با همکاری مجلس غنا، مجموعه‌ای از پیشنهادها را در جولای ۲۰۰۴ باهدف بالا بردن نقش دسترسی به اطلاعات طرح نمودند.

«پیشنهادهایی برای حکمرانی شفاف» (۲۰۰۴) چارچوبی برای شفافیت بیشتر در حکومت، به‌ویژه از طریق تکمیل رژیم‌های دسترسی به اطلاعات فراهم می‌کند. سنگ بنای چنین رژیم‌هایی، قانون و دسترسی به اطلاعات است. اصول ژوهانسبورگ، که در سال ۱۹۹۵ به رسمیت شناخته شد، باهدف ایجاد توازن بین حقوق شهروندان برای دسترسی به اطلاعات و حق دولت و وظیفه حفظ امنیت آن بسیار مهم است. دفاع، امنیت ملی، روابط خارجی، دلایل اقتصاد ملی، اجرای قانون و حریم شخصی، و دیگر «اسرار دولتی» ممکن است ادعای قانونی برای محافظت و یا معافیت از قانون دسترسی به

1 - Wilson

2 - Ombudsman

اطلاعات داشته باشند. اما اینکه چگونه این اسرار می‌توانند مجاز باشند، موضوعی قابل بحث است. همواره ظرفیت استفاده از یکی از این معافیت‌ها برای مقامات فاسد به‌عنوان دستاویزی برای افشای اطلاعات وجود دارد. به‌عنوان مثال، در مالزی، قانون امنیت داخلی هرگونه گزارش بدون اجازه از فعالیت‌های نظامی را نوعی نقض تئوری با مجازات زندان تعریف می‌کند. در نهایت، برای جلوگیری از این استثناهای استفاده شده برای پنهان‌سازی فعالیت‌های فاسد، هر تصمیم مقامات دولتی براساس یکی از این معافیت‌ها باید در معرض بررسی قضایی قرار گیرد.

مجلس می‌تواند به‌عنوان یک عامل محوری، در صدد تدوین این قانون باشد، به‌طوری‌که آن را با «پیشنهادها» مطابقت داده و به‌طور مرتب بررسی کند تا اطمینان حاصل شود که نهایت افشاگری و شفافیت در نظر گرفته شده را به ارمان می‌آورد. علاوه بر این، مجلس می‌تواند از نقش نظارتی خود برای اطمینان از پیاده‌سازی مؤثر این قانون استفاده نماید، یعنی الزام نهادهای دولتی به ارائه‌ی گزارش سالانه منطبق با قانون، انتصاب مسئولی برای پاسخ‌گویی پیرامون عدم موفقیت در اجراء و نظارت بر عملکرد نهاد مستقل اداری موظف به اجراء این نظام. مجلس نقش رهبری حیاتی در گسترش دسترسی و استفاده از اطلاعات عمومی را داراست. برای تحقق این نقش آن‌ها نیاز به توسعه‌ی یکپارچه و جامع سیاست اطلاعات ملی به‌منظور توسعه و ترویج تولید، انتشار، و استفاده از اطلاعات دولتی برای عموم مردم هستند. مجلس می‌تواند به دنبال کاهش هزینه پایداری به نظام‌های دسترسی به اطلاعات از طریق زیر باشد:

ترویج یک فرهنگ باز، تشویق اجراء مدیریت مؤثر سوابق در سازمان‌های دولتی مشمول چنین قانونی و نیاز به وجود چنین سازمان‌هایی برای تصدی‌گری انتشار روزمره از اطلاعات کلیدی به‌طوری‌که به‌راحتی قابل دسترس برای جامعه باشد.

برخی پیش شرط‌ها برای بهره‌مندی از دسترسی به اطلاعات لازم است. پیش شرط اصلی ثبات سیاسی، دستگاه قضایی مستقل و وجود زیرساخت‌های کافی و داده‌ها است. ثبات سیاسی ضروری است زیرا باعث مطمئن‌تر شدن سیاستمداران و مخالف کمتر با دخالت شهروندان در تصمیم‌گیری می‌شود. سیستم قضایی مستقل نیز ضرورت دارد زیرا واسطه‌ای بین مردم و دولت بوده و دولت را پاسخ‌گو نگه می‌دارد. زیرساخت‌های ارتباطی خوب برای دسترسی به اطلاعات بسیار مهم است، از جمله زیرساخت‌های فیزیکی (رادیو و تلویزیون) و شخصی (آموزش و پرورش).

پیش شرط‌های بالابیشتر در کشورهای توسعه‌یافته دیده می‌شود. به‌طور کلی، کشورهای در حال توسعه، بیشتر دچار عدم ثبات سیاسی، ضعف سیستم قضایی، زیرساخت‌های نامناسب، و اطلاعات غیرقابل اعتماد هستند. با این حال، آزادسازی دسترسی به اطلاعات در کشورهای در حال توسعه گام مهمی برای تضمین پاسخ‌گویی دولت و شفافیت، و همچنین تقویت آزادی مطبوعات است.

پاسخ‌گویی رسانه‌ها

با وجود اینکه پاسخ‌گویی مقامات دولتی مهم است، رسانه‌ها نیز باید مسئولیت اقدامات خود را بر عهده گیرند. روزنامه‌نگاران، که قهرمان حقوق بشر، پاک‌دامنی، و اصول دموکراتیک هستند، باید به استانداردهای بالایی پایبند باشند. متأسفانه، همیشه این‌طور نیست. برای مثال، در بسیاری از کشورهای درحال توسعه، «روزنامه‌نگاری پاکتی» روش روزمره است. روزنامه‌نگاران در ازای انتشار داستان‌های راضی‌کننده برای «اهدایندگان پاکت»، پول دریافت می‌کنند.

شش رسانه و سازمان‌های روابط عمومی، نیروهایی را در راستای تلاش برای مهروموم کردن رشوه‌خواری در روزنامه‌نگاری و رسانه به هم ملحق کرده‌اند. فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران (IFJ)، مؤسسه بین‌المللی مطبوعات (IPI)^۱، شفافیت بین‌المللی (TI)^۲، اتحادیه جهانی روابط عمومی و مدیریت ارتباطات، مؤسسه تحقیقات روابط عمومی و آموزش و پرورش و انجمن بین‌المللی روابط عمومی، منشور شفافیت رسانه‌ها را منتشر کرده‌اند که خواستار سیاست‌های مدون علیه گرفتن پیشکش، تفکیک شفاف محتوای تحریریه و تبلیغات، و پایان دادن به رشوه برای پوشش رسانه‌ای در سراسر جهان است.

سردبیران نیز فشار انتشار مطالب قابل‌تردید را تجربه می‌کنند. به‌همین دلیل، ضروری است که سردبیران از آزادی گروه تحریریه خود، مطمئن باشند. این وضعیت در صورتی که سردبیران و روزنامه‌نگاران حقوق مناسبی برای کارشان دریافت کنند، می‌تواند تا حد زیادی بهبود یابد، بنابراین انگیزه پذیرش مواجب برای ارائه پوشش مطلوب کاهش می‌یابد. زمانی که دولت یا صاحبان رسانه‌ها قادر به ارائه حقوق مناسب و معقول برای سردبیران و روزنامه‌نگاران نباشند، پشتیبانی از طرف اهداکنندگان بیرونی می‌تواند یک راه‌حل باشد. در ماه نوامبر سال ۲۰۰۴، کمیسیون اروپایی مبلغ ۲ میلیون یورو به اعضای رسانه‌های صربستان اهدا کرد که خواهان گزارش درمورد آلودگی محیط‌زیست، جرایم سازمان‌یافته و قاچاق انسان بود.

با این وجود موانعی برای پاسخ‌گویی رسانه وجود دارد. اولاً، رسانه‌ها باید اخبار را منتشر کنند تا سودمند باقی بمانند، که در این صورت ممکن است برخی محافل رسانه‌ای مجبور به «فروش» دارایی‌های خود شوند. ثالثاً، بی‌میلی مقامات دولتی به افشای اطلاعات منجر به استفاده روزنامه‌نگاران از ابزار غیرقابل توضیح برای جمع‌آوری اطلاعات خواهد شد. ثالثاً، فشارهای نظام قضایی پاسخ‌گویی رسانه‌ها را کاهش می‌دهد. ترس از زندانی شدن و یا اجبار به پرداخت مقادیر متناهی به دلیل دادخواست افترا ممکن است باعث خودداری رسانه‌ها از انتشار مسائل خاص شود.

1-International Press Institute

2-Transparency International

آزادی رسانه‌ها

یک رسانه‌ی آزاد، همراه با پارلمانی تأثیرگذار و یک قوه قضائیه‌ی مستقل، از پیش‌نیازها برای حکمرانی خوب است. رسانه‌ها نقشی مضاعف در خصوص مهار فساد دارند: بالا بردن آگاهی عمومی درباره فساد و تحقیق و گزارش رخدادهای فساد به شیوه‌ای حرفه‌ای و اخلاقی. برای انجام چنین نقش مضاعفی، رسانه‌ها باید آزاد باشند. به‌علاوه برای دسترسی به اطلاعات، روزنامه‌نگاران باید به تحقیق و گزارش خود بدون ترس از انتقام‌جویی‌ها بپردازند. فراتر از خطر آسیب فیزیکی، انتقام‌جویی‌ها می‌تواند شامل اعمال سانسور روزنامه‌نگاران، بستن نشریات و ... باشد. باین‌حال، روزنامه‌نگاران مورد آزار و اذیت، حمله و بازداشت واقع شده و حتی در حین انجام وظیفه کشته شده‌اند. چنین «تهدید پنهان»، فرهنگ خودسانسوری و یا گزارش امن را ترغیب می‌کند که اطلاعات معنی‌داری برای جامعه ارائه نمی‌دهد. بسیاری از کشورها ملزم به ثبت نام جرایم یا روزنامه‌نگاران بوده، برخی از حکومت‌ها نیز مجوزها را بر اساس صلاح‌دید خود لغو می‌کنند. به‌عنوان مثال، مقررات روزنامه در تانزانیا، اجازه نمی‌دهد روزنامه‌ها نشانی، مقررات اساس‌نامه، و یا حتی اهداف و ارزش‌های خود را تغییر دهند. علاوه بر این، صدور مجوز می‌تواند به‌عنوان نوعی سانسور عمل کند زیرا به مقامات اجازه می‌دهد تا تنها به آژانس‌های رسانه‌ای یا روزنامه‌نگارانی که از مواضع دولت حمایت می‌کنند، مجوز اعطا نمایند. مجالس باید توجه داشته باشند که اعطای مجوز به روزنامه‌نگاران با آزادی بیان و خودداری از وضع قانون در این زمینه سازگار نیست (بوچت و کاریتی^۱ ۲۰۰۳).

از زمان حوادث یازدهم سپتامبر، اقدامات جدید برای جلوگیری، کاهش یا کم کردن سرعت جریان اطلاعات - باوجود افزایش نظارت بر دسترسی - خبر از محدودیت آزادی رسانه‌ها دارد. به‌عنوان مثال، در اردن، اصلاحات جدید در مورد قانون مجازات عمومی برای روزنامه‌نگاران انتشاردهنده موضوعاتی که می‌تواند به شکاف در وحدت ملی، تقسیم جمعیت، یا صدمه به وجهه و شهرت دولت بیانجامد، اعمال شده است. در عربستان سعودی، تمامی ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی باید سوابق کاربران خود را به‌منظور پیگیری دسترسی به وب سایت‌های ممنوع، نگاه‌دارند. افزایش نظارت بر اینترنت، ایمیل و مکالمات تلفنی در هر دو کشور بریتانیا و کانادا مجاز بوده، در حالی که قوانین جدید فرانسه به‌طور مؤثر رمزگذاری پیام‌های الکترونیکی را جرم‌انگاری نموده است.

آزادی بیان در بسیاری کشورها، به دلایل مختلف محدود شده است. برای مثال، در اتیوپی، آزادی بیان برای اولین بار توسط یک دولت مارکسیست و حتی در حال حاضر با ادامه عقب‌ماندگی اقتصادی به‌طور فوق‌العاده محدود گردیده است.

دولت‌ها، می‌توانند اقتصاد کسب‌وکار روزنامه‌نگاری را تحت فشار قرار دهند. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، منبع اصلی تبلیغات دولت است. در سال‌های اخیر، از بین دیگر کشورها،

بنگلادش، مالاوی، اوگاندا، و زامبیا، تبلیغات را به روزنامه‌های خاصی محدود کرده و یا تمامی آن‌ها را به‌جز از مطبوعات دولتی سلب کرده‌اند. در جای دیگری، دولت‌ها واردات روزنامه را محدود و کنترل، میزهای مالیاتی تنبیهی را اعمال، و یا دسترسی به زیرساخت‌های موردنیاز برای پخش از جمله فرکانس‌ها، فرستنده‌ها و آنتن‌ها را محدود کرده‌اند. مجلس باید از روش‌های استفاده شده توسط دولت برای محدود کردن آزادی رسانه‌ها آگاه باشد و به دنبال تلاش برای مقابله با هرگونه عملکرد در هنگام اعمال نظارت خود باشد.

برخی دولت‌ها اتهام توهین به مجلس، رئیس دولت و یا حتی کل کشور را هم‌سطح قرار می‌دهند. در کامرون، آزار و اذیت و توهین به اعضای مجلس شورای ملی به‌عنوان جرم شناخته می‌شود. در کنیا، تا زمان لغو اخیر خود، قوانین فتنه‌جویی نتیجه مشابهی دارد. توهین به مجلس، جرمی چنان مبهم و کلی تعریف شده است که چالشی جدی برای آزادی بیان تلقی می‌شود.

مجموعه‌ای از اصول مقابله با این محدودیت‌ها، منشوری برای رسانه‌های آزاد، توسط روزنامه‌نگاران ۳۴ کشور جهان در کنفرانس جهانی آزادی در خصوص مشکلات سانسور در سال ۱۹۸۷ به تصویب رسید. پترس غالی^۱ دبیر کل سازمان ملل متحد در آن زمان، اعلام کرد که اصول این منشور «سزاوار حمایت همه متعهدان به پیشبرد و حمایت از نهادهای دموکراتیک است». وی اضافه کرد که این مقررات تا زمانی که الزام‌آور نباشند، اهداف تمام کشورهای مشتاق را بیان خواهند کرد.

شوراهای مطبوعات

در بسیاری از دموکراسی‌های جوان و شکننده، رسانه‌ها تجربه کمتری نسبت به دیگر کشورها دارند، و ممکن است رسانه‌ها تمایل کمتری برای «مسئول» بودن از خود نشان دهند. با توجه به این موضوع، ممکن است نیاز به استقرار شوراهای مطبوعات وجود داشته باشد. زمانی که رسانه‌ها عاری از حس مسئولیت باشند، شوراهای مطبوعات می‌تواند محکمه‌ای علنی برای عموم به‌منظور تأدیب مطبوعات فراهم کنند و در نتیجه بر رفتار آن تأثیر بگذارند. شورای مطبوعات باید مستقل بوده و توسط مردم با احترام به اعتبار غیرحزبی و همبستگی آنان اداره شود. این نهادها نباید دارای قدرت مجازات قانونی باشند، بلکه باید، اعتبار و یکپارچگی داشته باشند تا به گزارش‌های عمومی خود نیروی اخلاقی قوی ببخشند. از آنجا که شورای مطبوعات هیچ قدرتی برای تحمیل و اجبار ندارد، اثربخشی آن بستگی به همکاری تمام گروه‌های درگیر دارد. یک شورای مطبوعات مستقل مسئول رسانه‌های خبری خودگردان در هر فضای عاری از دخالت دولت و یا نظارت قضایی است. بر شورای مطبوعات باید به‌صورت مستقل سرمایه‌گذاری شود، کارش مبتنی بر دستورالعمل رفتاری مکتوب باشد، و آزادی بیان، حق آگاهی برای عموم، و حقوق رسانه‌ها برای انتشار بدون محدودیت از پیش تعیین شده را توسعه دهد (بیلز ۲۰۰۲).

مرزبندی بسیار خوبی میان روزنامه‌نگاری مسئول و غیرمسئول وجود دارد. نیروی اخلاقی شورای مطبوعات بهترین راه برای تضمین مطبوعات مسئول، نسبت به تجهیز دولت‌ها و محکمه‌ها با توان گسترده برای مقابله با مطبوعات است. مجلس باید به‌جای تصویب قوانینی که آزادی رسانه‌ها را محدود می‌کند، به دنبال پشتیبانی از استقلال رسانه‌ها باشد.

نتیجه‌گیری

امروزه ثابت شده که نقش رسانه‌ها در مهار فساد بسیار ارزشمند است. مزیت رسانه‌ها این است که مردم و افکار عمومی می‌توانند به راحتی از طریق انتشار روزنامه‌ها یا رادیو و تلویزیون در دسترس باشند. فساد تنها زمانی قابل کنترل است که شهروندان، دیگر آن را تحمل نکنند. اغلب، گزارش‌های ارائه شده در مورد اقدامات فاسد مقامات دولتی نقطه‌ی شروع تحقیقات، اقدامات قضایی، یا کناره‌گیری‌ها است. در سطح وسیع‌تر، گزارش رسانه‌ها سطح پلورالیسم^۱ (عقیده مبتنی بر لزوم دخالت کلی و عملی مؤسسات و مجامع غیردولتی در امر اداره کشور) و مسئولیت‌پذیری در جامعه را بهبود بخشیده است. برای اینکه رسانه‌ها بتوانند به‌عنوان دیده‌بانی هوشیار بر عملکرد کارکنان دولتی عمل نمایند، باید از دخالت سیاسی مصون باشند. در بسیاری از موارد، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، رسانه‌ها دولتی بوده یا تحت تأثیر آن قرار دارند. این مسئله منجر به گزارش‌های غیرقابل اطمینان خواهد شد که هیچ کمکی به مهار فساد و یا تلاش برای تغییر وضع موجود نمی‌کند. باهدف تقویت استقلال رسانه‌ها، رسانه‌های دولتی باید معاملات آزاد توسط دولت را مورد بررسی قرار دهند تا از گزارش‌های مداخله‌جویانه و نامطمئن اجتناب شود. هم‌زمان، باید سازوکارهایی برقرار شود تا اطمینان حاصل شود که رسانه‌ها دارای صاحبانی با مالکیت‌های مختلف هستند.

رسانه‌ها می‌توانند بحث‌های دموکراتیک را شکل داده و به استقرار و حفظ و مراقبت از حکمرانی خوب کمک نمایند. بنابراین رسانه‌ها به‌منظور ایفای این نقش باید قادر به دسترسی به اطلاعات عمومی باشند. آزادی مطبوعات، از جمله دسترسی آزاد به اطلاعات، برای بسط جامعه‌ای دموکراتیک، اصلی بنیادی است. به‌رغم به رسمیت شناختن جهانی آزادی مطبوعات، روزنامه‌نگاران و سازمان‌های رسانه‌ای در سراسر جهان همچنان با موانعی بر سر راه گزارش‌دهی مواجه هستند. موانع به‌صورت حضور سانسور فعال و یا مقررات محدودکننده در کار روزنامه‌نگاری، امکان دسترسی محدود یا مسدود شده به اطلاعات رسمی، چشم‌اندازی قانونی که مانع قابلیت روزنامه‌نگاران برای پرس‌وجو و گزارش آزادانه است - از قبیل افتر و قوانین سخت - و سوءاستفاده عیب‌جویانه از خدمات رسانه‌ای ضروری مانند رادیو و تلویزیون، امکانات چاپ و سیستم‌های توزیع ظهور می‌یابند. علاوه بر این، عدم آموزش، استانداردهای حرفه‌ای نامرغوب و کمبود سرمایه‌گذاری، گزارش‌های تحقیقی را دشوار و گاهی دسترسی، انتقال یا انتشار دقیق اطلاعات را برای روزنامه‌نگاران غیرممکن ساخته است.

روزنامه‌نگاران مستقل‌اندیش به‌سادگی با انجام کار خود به نحو احسن نقش مهمی در ترویج دموکراسی ایفا نموده‌اند. بسیاری از آن‌ها زندگی یا آزادی خود را برای ترویج حکمرانی شفاف و پاسخ‌گو و رفتار سازمانی در معرض خطر قرار داده‌اند. مجلس و دیگر نهادهای پاسخ‌گویی می‌توانند با اعمال قوانین بازدارنده از ارباب و خشونت علیه روزنامه‌نگاران و اصحاب رسانه‌ها پیشگیری نمایند. رسانه‌ها برای مبارزه با فساد در بخش‌های دولتی و خصوصی و همچنین در خود دنیای رسانه‌ها باید قادر به دسترسی به اطلاعات باشند. در جایی که قانون آزادی اطلاعات وجود ندارد و یا اجرای آن بی‌فایده است، طرح اصلاحات حقوقی نیازمند ترویج توسط سازمان‌های غیردولتی و همچنین ذی‌نفعان دولتی و خصوصی است. در درون رسانه‌ها، قانون تضاد منافع باید برای مقابله با تمرکز مالکیت رسانه‌ها و اطمینان از تداوم منابع متعدد اطلاعات حمایت شود. طرح‌های روزنامه‌نگاران برای ایجاد اساسنامه استقلال تحریریه همچنین باید توسط صاحبان رسانه‌ها، دولت‌ها پشتیبانی شود. تمایز روشن نیز باید بین بخش‌های سرمقاله و تبلیغات برپا شود. جامعه بین‌المللی، دولت و جامعه مدنی باید در راستای تلاش برای آموزش روزنامه‌نگاران برای گزارش‌دهی و کمک به محدود کردن فساد در داخل و خارج از حیطه خود گام بردارند.

در بحث توسعه سیاست مدیریت اطلاعات ملی و منطقه‌ای نمایندگان مجلس و دیگر قانونگذاران باید بهترین امکان دسترسی و استفاده از اطلاعات برای تمام اعضا، برنامه‌ریزی برای مدیریت منابع اطلاعات، مدیریت فعالیت‌های اشاعه اطلاعات و حفاظت اطلاعات عمومی را مد نظر قرار دهند. قدرت رسانه‌ها باید با ارائه روش‌های حفاظت از دست‌اندرکارانی که تحت تهدید و یا خطر، ممکن است زندگی و کار آن‌ها به مخاطره بیافتد، تقویت شود. باید به رسانه‌ها برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات قابل اعتماد از نهادهای دولتی مطابق با حدود مقرر در ضروریات دفاع و ملاحظات امنیتی اجازه داده شود. بدون دسترسی به اطلاعات قابل اعتماد، رسانه‌ها به‌شدت در نقش ضدفساد خود محدود خواهند شد. دست‌اندرکاران رسانه‌ها باید دارای مجموعه‌ای وسیع از مهارت‌هایی باشند که لزوم مبارزه با اقدامات فاسد را اثبات نماید. این مهارت‌ها باید از طریق آموزش متمرکز و سمینارهای سازمان‌یافته منظم به‌دست آید.

رسانه‌ها، اغلب به‌عنوان قوه چهارم پس از قوای مجریه، مقننه، و قوه قضاییه، احتمالاً نقشی مهم‌تر از دیگر ارکان ایفا می‌کنند زیرا همان‌طور که کیلیمیوکیو اشاره کرده، «از طریق رسانه‌های جمعی است که یک کشور با خود و کشورهای دیگر ارتباط برقرار می‌کند. از این طریق است که مقامات در داخل کشور مشکلات و خواسته‌های مردم را به‌منظور خدمت‌رسانی به آن‌ها احساس می‌کنند. در مقابل، از همین طریق است که مردم ظرفیت و سیاست‌های آن مقامات را احساس می‌کنند.»

به‌هرحال، اگر رسانه‌ها به دنبال رسیدن به ظرفیت کامل خود و پاسخ‌گو نگه داشتن مقامات دولتی باشند، باید تقویت شوند و - مهم‌تر از همه - باید از استقلال خود اطمینان خاطر داشته باشند. درک

این پتانسیل نیاز به حمایت سیاسی و منابع مالی دارد، زیرا حمایت سیاسی رکنی حیاتی برای موفقیت روزنامه‌نگاران است. منابع مالی نیز برای تقویت ظرفیت، حرفه‌ای‌گری و استقلال رسانه‌ها در راستای بررسی و افشای فساد ضروری است، به‌خصوص در مناطقی که بیشتر مردم تحت تأثیر قرار می‌گیرند. مجلس نقشی حیاتی در تسهیل محیطی برای پرورش رسانه‌های مؤثر ایفا می‌کند، خواه با تصویب قوانین دسترسی به اطلاعات و آزادی بیان و خواه با ترویج خودگردانی رسانه‌ها.

فهرست منابع

- 1- Barbash, Fred. 1994. "Scandal Over Paid Questions Rocks British Tories." washington Post dispatch published in Montreal Gazette (October 21): A8.
- 2- Beales, Ian. 2002. Imperfect Freedom: The Case for Self-Regulation in the Commonwealth Press. London: Commonwealth Press Union.
- 3- Bouchet, Nicolas, and Nixon Kariithi. 2003. Parliament and the Media: Building an Informed Society. Working Paper, World Bank Institute, Washington, DC.
- 4- Cape Town Principles for an Informed Democracy. 2002. Proposed during the Indian Ocean Rim Conference on "Parliament and the Media: Securing an Effective Relationship," Cape Town, South Africa (April 14–18).
- 5- Coronel, Sheila. "Opening a Pandora's Box: The Emergence of a Free Press in Southeast Asia." Development Dialogue (2001:1) Dag Hammarskjöld Foundation. Uppsala, Sweden.
- 6- Commonwealth Press Union. 1999. The Independence of the Commonwealth Media and Those Working Within It. London: CPU.
- 7- CPJ (Committee to Protect Journalists). 1998. <http://www.cpj.org/>.
- 8- Githongo, John. 1997. "The Role of Journalists in Combating Corruption in Kenya." Unpublished paper presented at World Bank Institute seminar, Cotonou, Benin (January).
- 9- HRW (Human Rights Watch). 1998. <http://www.hrw.org/>.
- 10- IFJ (International Federation of Journalists). 1996. "The Right to Know: Access to Information in African Countries." African Regional Conference (July 25–27).
- 11- <http://www.ijnnet.org/Director.aspx?P=Ethics&ID=158580&LID=1>.
- 12- IRE (Investigative Reporters and Editors, Inc.) Investigative Journalism Online Resource Center. <http://www.ire.org/resourcecenter/about.html>.
- 13- Islam, R. 2002. The Right to Tell: The Role of Mass Media in Economic Development. Washington, DC: World Bank Institute.
- 14- Johnston, Michael. 1997. "What Can Be Done about Entrenched Corruption?" Paper prepared for the Annual World Bank Conference on Development Economics, Washington, DC. (April 30–May 1).
- 15- Katorobo, James. 1995. "Investigative Journalism: The Mutual Roles of the Media and the Civil Service in Exposing Misconduct." In Investigative Journalism in Uganda

- I:Final Workshop Proceedings,Uganda(August 14-19).
- 16- Kilimwiko, Lawrence. 1997. "Corruption in the Media." Paper presented to the first Investigative Journalism Workshop for Female Journalists, Bagamoyo, Tanzania (February 16-22).
 - 17- Klitgaard, Robert. 1996. "Bolivia: Healing Sick Institutions in La Paz." In *Governance and the Economy in Africa: Tools for Analysis and Reform of Corruption*, ed. Patrick Meagher. University of Maryland Press: College Park.
 - 18- Langseth, Petter, Rick Stapenhurst, and Jeremy Pope. 1997. "The Role of a National Integrity System in Fighting Corruption." Working Paper 400142/, Economic Development Institute (EDI), World Bank, Washington, DC.
 - 19- Larsen, Alex, and Flemming Ytzen. 1997. "Freedonia: Investigative Journalism." Case Study, World Bank Institute, Washington, DC.
 - 20- Macdonell, Rod. 1993. "New Chief Judge of Montreal Municipal Court Gets Mandate to Improve Work Ethic." *Montreal Gazette* (November 26): A1.
 - 21- Macdonell, Rod, and Alexander Norris. 1997. "Public Documentation Exercise." In *Rapport sur le seminaire sur le journalisme d'investigation tenu a Port-Louis, Ile Maurice, du 29 septembre au 8 octobre 1997*, report submitted to the Economic Development Institute (EDI) of the World Bank, Washington, DC.
 - 22- Marsden, William, and Jennifer Robinson. 1987. "Possible Conflict Exposed, Latulippe Quits as Minister." *Montreal Gazette* (June 30): A1.
 - 23- Martin, Robert, and Estelle Feldman. 1998. "Access to Information in Developing Countries." A study prepared for Transparency International, Berlin.
 - 24- Neumann, A. Lin. 1998. "High Price of Secrecy: Restricting the Press Worsened the Economic Crash." *Columbia Journalism Review* 37 (March/April).<http://archives.cjr.org/year/982//asia.asp>.
 - 25- Pope, Jeremy, ed. 1996. *The TI Source Book*. Berlin, Germany: Transparency International, 1996.
 - 26- Powell III, Adam Clayton. 1998. "Competition Essential to Press Freedom, Broadcast News Executives Say." *Free! Freedom Forum online newsletter* (May 29): [http://www.freedomforum.org/search/default.asp?ps=100&qs=](http://www.freedomforum.org/search/default.asp?ps=100&qs=%22Competition+essential+to+press+freedom%22)
 - 28- [%22Competition+essential+to+press+freedom%22](http://www.freedomforum.org/search/default.asp?ps=100&qs=%22Competition+essential+to+press+freedom%22).
 - 29- "Recommendation for Transparent Governance." 2004. Conclusion of a CPA-WBI Study Group on Access to Information, held in partnership with the Parliament of

- Ghana, Accra, Ghana (July 5–9).
- 30- Shugaar, Anthony. 1994. "Italy's New Hall of Mirrors." *Columbia Journalism Review* 33 (July/August).
- 31- Simon, Joel. 1998. "Hot on the Money Trail." *Columbia Journalism Review* 37 (January/February).
- 32- Staphenhurst, Rick. 2000. "The Media's Role in Curbing Corruption." World Bank Institute. <http://www.worldbank.org/wbi/governance/pdf/media.pdf>.
- 33- Wasike, Alfred. 1998. "Sudhir Buys Back Muhwezi Shares." *The New Vision*, Kampala, February 6, 1998, A1.
- 34- Woodward, Robert. 1994. "Sleaze Sinking British MPs: British Regard for Politicians Low." Reuters news dispatch, published in the *Montreal Gazette* (July 15): A12.